

بررسی بسامدی اختیارات وزنی در قصیده‌های ناصر خسرو

وحید عیدگاه طرهبی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۵۳ تا ۱۶۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۲۵

چکیده

وزن شعر ناصر خسرو همیشه مورد توجه ادیبان و شعرپژوهان بوده است و همواره این شاعر را با ویژگی‌های وزنی خاصش می‌شناخته‌اند. با این همه، کمتر پژوهش کاملی درباره ویژگی‌های وزنی شعر او صورت گرفته است. در این جستار کوشش در آن بوده است تا با بررسی دقیق بیت‌بیت شعر ناصر خسرو، دگرگونی‌های وزنی‌ای که در شعرش رخ داده‌است، شناسایی و دسته‌بندی شود و با به‌دست‌دادن بسامد هر کدام از دگرگونی‌ها، تصویر دقیق‌تری از سبک فردی این شاعر فراهم آید. مهم‌ترین دگرگونی وزنی در شعر ناصر خسرو تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند است که در برخی از کتاب‌های عروضی با نام تسکین شناخته می‌شود و در شعر او از دو جهت برجسته است؛ یکی از جهت بسامد بسیار زیاد آن، و دیگری از جهت مواضع رخداد آن در زنجیره عروضی بیت. این بررسی همچنین گامی است برای تدوین قواعد نامدوّن عروض کهن پارسی که طبیعتاً ملاک‌های کار خود را بیشتر در متن‌های کهن می‌جوید تا سخنان عروض‌نویسان. از مهم‌ترین این قواعد نامدوّن، می‌توان به امکان استفاده از تسکین در رکن نخست مصراع اشاره کرد که تاکنون کمتر بدان اشارت رفته و هنوز به کتاب‌های عروض وارد نشده است.

واژه‌های کلیدی: عروض، اختیارات شاعری، تسکین، قلب، سبک فردی، شعر کهن پارسی، وزن شعر ناصر خسرو.

۱. مقدمه

ناصر خسرو را شاعر بی‌همانندی می‌شناسیم که در سرودن، شیوهٔ مخصوصی داشته است و به قول معروف «سبک خاص خودش را دارد» و قصیده‌هایش در میان ادیبان با صفت‌های «استوار، خشن، سخته، دشوار، پرتنطنه» توصیف می‌شود. این صفت‌ها اگرچه دقیق و علمی نیستند و مرز مشخصی هالهٔ معنایی هریک را از دیگری جدا نمی‌کند، در هنگام خواندن قصیده‌های ناصر خسرو احساس می‌شوند و خواننده کم‌وبیش آنها را درمی‌یابد و تا اندازه‌ای متوجه تفاوت قصیده‌های ناصر خسرو با قصیده‌های دیگر سخنوران و تأثیر متفاوت آنها بر خود می‌شود، اما برای شناخت درست شعر ناصر خسرو این سخن‌های احساسی و سلیقه‌ی راهی نمی‌توانند گشود. تنها با پرداختن به زبان ناصر خسرو، آن هم با روش‌های توصیفی و به دور از هرگونه برخورد عاطفی و تأثرمدار می‌توان به آن شناخت درست رسید. آنچه اهمیت دارد و باید در پی آن بود، این است که بدانیم ناصر خسرو با زبان چه رفتاری می‌کند و در مقایسه با دیگر سرایندگان، از امکان‌های بالقوهٔ زبان پارسی چه گزینشی به‌دست می‌دهد و چگونه به سبک خاص خود می‌رسد و از دیگران متمایز می‌شود و مهم‌ترین عناصر سازندهٔ این سبک متمایز چیست؟

از میان عمده‌ترین عناصر سبک‌شناختی شعر ناصر خسرو این موارد را می‌توان نام برد: شیوهٔ ساخت واژه، روش توزیع جمله‌ها در بیت، طرز درج جمله‌های مستقل در میان هم، شگردهای لفظی بدیعی در محور افقی شعر، شگردهای لفظی بدیعی در محور عمودی شعر، موسیقی بیرونی، وزن‌های کم‌کاربرد، اختیارات شاعری زبانی، اختیارات شاعری وزنی و

در این میان وزن شعر ناصر خسرو اهمیت ویژه‌ای دارد و در جستار پیش‌رو به یکی از بخش‌های آن، یعنی اختیارات عروضی پرداخته شده است. با بررسی اختیارات عروضی در شعر ناصر خسرو و تعیین بسامد و جایگاه وقوع آنها، هم اسناد و شواهدی برای تألیف و تدوین عروض کهن پارسی به‌دست می‌آید و هم ماده‌ای خام برای پژوهش در سبک-شناسی شعر ناصر خسرو فراهم می‌شود.

۲. اختیار وزنی

این اصطلاح عبارت است از تغییری که شاعر مجاز است در یک وزن وارد آورد. با توجه به اینکه در وزن شعر پارسی تناسب میان هجاها در حدّ اعلی رعایت می‌شود، دامنهٔ اختیار وزنی در آن بسیار محدود است. این تناسب دقیق وزن و تنگی مجال اختیار را

می‌توان در مقایسه با عروض پرتبصره و نادقیق عربی آشکارا دریافت؛ عروضی که در آن دست شاعر باز است که تغییرات گوناگونی را در وزن شعر اعمال کند تا آنجا که نظم ریاضی زنجیره هجاهای آن بر هم بخورد. مبحث درازدامن «زحاف و علت» در عروض عربی برخاسته از همین جاست.

پیش‌تر، اختیار وزنی با تعریفی همانند آنچه گفته شد و با اصطلاح «اختیارات شاعری» در کتاب *وزن شعر فارسی* (ناتل خانلری، ۱۳۶۱: ۲۶۳) توضیح داده شده است. ابوالحسن نجفی با افزودن مفهومی دیگر بر تعریف اختیار شاعری، آن را به سه دسته تقسیم کرد: ۱. تبدیل هجاها؛ ۲. تغییر کمیت مصوت‌ها و ۳. حذف همزه (۱۳۵۲: ۱۵۱). پس از آن، سپنتا و فشارکی با بخش دوم و سوم این تقسیم‌بندی به درستی مخالفت کردند و آن را «ضرورت شاعری» نامیدند (۱۳۵۳). وحیدیان کامیار در یک بخش‌بندی منطقی با استفاده از مقاله نجفی اختیارات شاعری را به دو دسته زبانی و وزنی تقسیم کرد (۱۳۶۷: ۱۲). اختیارات زبانی همان ضرورت‌های شاعری‌اند که تغییری را در وزن سبب نمی‌شوند. در شعر فارسی چهار اختیار وزنی وجود دارد؛ تبدیل فعلاتن به فاعلاتن در آغاز مصرع، یکی از آن چهار مورد است که به دلیل فقدان ارزش سبک‌شناختی و یکسان‌بودن کاربردش در نزد همه شاعران در اینجا بدان نمی‌پردازیم. اختیار دیگر، بلندبودن همیشگی هجای پایانی وزن است که قانونی عمومی و مربوط به پایان‌بندی وزن شعر پارسی است که پرداختن بدان بحثی دیگر می‌خواهد. مهم‌ترین اختیارات وزنی «تسکین» و «قلب» است که بررسی آن، از ضروری‌ترین مراحل سبک‌شناسی دیوان‌های شاخصی چون دیوان ناصر خسرو به‌شمار می‌آید و در پژوهش تاریخ وزن شعر پارسی اهمیت بسیار دارد.

۲-۱. تسکین

از اختیار تسکین با نام‌های دیگری چون «ابدال» (همان: ۱۸ و ۱۷)، «تبدیل» (ناتل خانلری، ۱۳۶۱: ۲۶۸) و «سکته» (فرزاد، ۱۳۷۲: ۵۳ و حسنی، ۱۳۷۸: ۱۰۴) یاد شده است. نام «تسکین» برگرفته از عروض سنتی است که در آن وزن شعر را به‌جای هجاها با صامت/مصمت (ر، ک: طوسی، ۱۳۶۳: ۴) و متحرک (مصوت) توضیح می‌دهند و این اختیار وزنی را ساکن کردن یک متحرک می‌دانند.

«سکته» اصطلاح عامیانه‌ای است که در نزد متأخران کاربرد یافته و اغلب با معنایی یکسان به‌کارنرفته است (حسنی، ۱۳۷۸: ۱۰۲)؛ گاه به معنای اشکال عروضی، گاه مکث در

میان دو نیم‌مصراع و گاه منظور از آن، اختیار تسکین بوده است؛ بنابراین، اصطلاحی علمی نیست و اجتناب از آن بهتر است (نجفی، ۱۳۵۵: ۵۸۷). در تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند، حمید حسنی تمایزی قائل شده و موارد وقوع را در رکن پایانی مصراع (UU - -) تسکین و موارد دیگر را سخته نامیده است (۱۳۷۸: ۱۰۸). وی در تأیید سخن خود جمله‌ای را از سیروس شمیسا (۱۳۷۰: ۴۶) نقل کرده است که در واقع در تأیید آن نیست؛ زیرا اگر قرار باشد برای هر پدیده در هر بار، بنا بر موضعی که در آن رخ می‌دهد، نامی تازه بنهیم، برای اختیار تسکین آنگاه که در آغاز مصراع رخ می‌دهد نیز باید در پی نام دیگری باشیم. آشکار است که این کاری غیرعلمی و نارواست.

از ۲۴۲ قصیده‌ای که در دیوان ناصر خسرو می‌بینیم، در ۱۶۲ قصیده این امکان وجود دارد که در آنها تسکین رخ داده باشد. هشتاد قصیده دیگر، مواردی هستند که در ساختمان عروضی آنها هرگز دو هجای کوتاه (UU) در کنار هم نمی‌توان یافت. تسکین در شعر ناصر خسرو از دو روی بسیار اهمیت دارد: یکی بسامد بسیار بالای آن و دیگری، رخ دادن آن در رکن نخست زنجیره عروضی. بسامد بالای کاربرد تسکین، شعر ناصر خسرو را از دیگران متمایز می‌کند و نمود سبک فردی وی را به‌عنوان یکی از نمایندگان سبک خراسانی آشکار می‌سازد. کاربرد تسکین در دو هجای کوتاه آغاز وزن، از موارد کمیابی است که گاه در شعر کهن پارسی به‌چشم می‌خورد و در شعر ناصر خسرو هم نمونه‌هایی دارد. با گردآوری نمونه‌های این اختیار عروضی در دیوان‌های کهن شعر پارسی، می‌توان گام استواری در تدوین و تألیف عروض کهن و اختیارات شاعری آن برداشت. با این همه، تا آنجا که نگارنده می‌داند، عروضیان ما به جز حمید حسنی (۱۳۷۸: ۱۰۵) از این اختیار عروضی سخنی نگفته‌اند و از آنجا که نوشته‌هایشان بیشتر بر پایه تألیف‌های دیگران بوده است تا متن‌های کهن شعر پارسی، از این قاعده آگاهی نداشته‌اند. در توضیحات ایشان درباره اختیار تسکین (UU = -) مواردی از این قبیل را می‌خوانیم: «این تغییر ممکن است در میانه یا در آخر وزنی واقع شود.» (ناتل خانلری، ۱۳۶۱: ۲۶۹)، «شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه میان مصراع، یک هجای بلند بیاورد.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۷: ۱۸)، «این اختیار [...] جز در آغاز مصراع در همه جا قابل اعمال است.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۴۶)، «این قاعده را در هر جای مصراع، جز در اوّل و آخر می‌توان به‌کار بست.» (نجفی، ۱۳۵۲: ۱۵۷).

متأسفانه مصححان هم اگر به این قاعده برخوردند، به سبب ناآشنایی با آن کوشیده‌اند که تلفظ واژه را دگرگون سازند و مسئله را بدین‌سان حل کنند تا وزن شعر به زعم آنان درست شود. در اینجا دیوان ناصر خسرو را از لحاظ به‌کارگیری این اختیار وزنی بررسی می‌کنیم و همراه با یادکرد نمونه‌هایی از منوچهری دامغانی و چند گوینده دیگر، خطای مصححان را در تصحیح نشان می‌دهیم.

در بیت‌های زیرین تسکین در دو هجای نخست روی داده است:

روز با باده و با ناله و تسبیحی	شب با مطرب و با باده ریحانی
۲ - U - - UU - - UU - -	(ناصر خسرو، ۱۳۵۳: ۴۳۶)
- - - UU - - UU - - [-]	خس مانده‌ست همه بر سر پرویزن
۲ - U - - UU - - UU - -	(همان: ۳۶)
- - - UU - - UU - - [-]	به بهی جان ز نیستی برهان
۲ - U - - UU - - UU - -	(همان: ۲۴۱)
- - - U - U - - UU	مه قابیل و کهرش هابیل
۲ - U - - UU - - UU - -	(همان: ۱۲۳)
- - - U - U - - [-]	

مصححان دیوان ناصر خسرو در دومین بیت، بر واژه «خس» که جایگاه اختیار وزنی است، تشدید نهاده‌اند؛ حال آنکه نیازی به چنین کاری نیست و آگاهی از قاعده تسکین، ما را از چنین تصرفی به‌دور می‌دارد. در دیوان ناصر خسرو چند بیت دیگر هم هست که مصححان در آنها بر کلمه آغازین زنجیره عروضی، نشانه تشدید نهاده‌اند. با توجه به زبان ناصر خسرو که در آن واژه‌هایی چون «دُر»، «پَر»، «حَق» و «زَر»، در حالت غیراضافی نیز گاه مشدد تلفظ می‌شده است، کار مصححان توجیه‌پذیر است، اما بر پایه قاعده تسکین می‌توان آنها را بی‌تشدید نیز خواند:

حق شناسم هرگز دو مخالف را	این قدر دانم ایرا که نه حیرانم
[-] - - - UU - - - - - U -	(همان: ۱۹۷)
- - - UU - - - - -	بَرز را نیست آشنا رواس
- - - UU - - - - -	(همان: ۴۳۹)
- - - UU - - - - -	

UU - - U - U - [-] U - U - - -

نمونه‌های تسکین در دو هجای نخست وزن را بیش از هر جا در دیوان منوچهری دامغانی می‌توان یافت:

بر همه خلق ببند و به همه کس بگشای
درهای حدثان و خم‌های بگماز
(همان: ۱۳۷۰: ۵۲)

U - UU - - UU - - UU - [-] UU - - - - -

برگ‌های رز چون پای خشنساران
زرگون آیدون همچون رخ بیماران
(همان: ۲۰۳)

U - UU - - - - - [-] UU - - - - -

رزبان شد به سوی رز به سحرگاهان
که دلش بود همیشه سوی رز خواهان
(همان: ۲۰۳)

[-] UU - - UU - - UU - - -

به لگد کرد دوصد پاره میان‌هاشان
رگهاشان ببرید و ستخوان‌هاشان
(همان: ۲۰۵)

UU - - UU - - UU - [-] UU - - -

بد کردم که به جای تو جفا کردم
نه نکو کردم دانم که خطا کردم
(همان: ۲۰۶)

[-] UU - - UU - - UU - - -

چنین اختیاری نزدیک به ده بار دیگر نیز در دیوان منوچهری به‌کاررفته و مصحح آن نه‌تنها بدان اشاره‌ای نکرده است، بلکه در یک مورد نشانهٔ تشدید را نیز بر واژهٔ آغازین یک مصرع (واژهٔ «زرگون») نهاده است (همان: ۲۰۳).

در دیوان‌های سرایندگان دیگر هم نمونه‌هایی از این اختیار عروضی به‌چشم‌می‌خورد که حمید حسنی (۱۳۷۸: ۱۰۸-۱۰۹) در مقالهٔ سودمند خود چند مورد از آنها را یاد کرده است. با توجه به نمونه بیت‌هایی که آورده شد و نیز آنها که حسنی یافته است، ثابت می‌شود که به‌کار بستن اختیار عروضی تسکین در دو هجای نخست وزن، یک قاعدهٔ مجاز (اگر چه کم کاربرد) شعر پارسی بوده است که در تصحیح و ویرایش متن‌های کهن پارسی باید بدان توجه داشت و از این پس، باید آن را در بخش اختیارات وزنی کهن به کتاب‌های عروض وارد کرد. ناآگاهی مصححان از این قاعده، در میان چند نمونه‌ای که حسنی آورده است نیز آشکار می‌شود؛ از آن جمله به بیت زیرین می‌توان اشاره کرد:

زر خواهی و ترنج اینک ازین دو رخ من می خواهی و گل و نرگس از آن دو رخ جوی
(رازی، به نقل از حسنی، ۱۳۷۸: ۳۰۲)
- - - - UU - - UU - - [-] - UU - - UU - - UU - - [-]

در متن کتاب بر روی واژه «می» تشدید نهاده شده است.

چنان که از پیش گفته شد، اختیار تسکین در شعر ناصرخسرو اهمیت دیگری هم دارد و آن اینکه او به عنوان شاعر سبک خراسانی، همچون مسعود سعد و منوچهری و فرخی، این اختیار وزنی را بسیار به کار بسته است. این بسامد زیاد کاربرد تسکین، به بسیاری از قصیده‌های وی چهره‌ای خاص بخشیده و آنها را از سروده‌های سخنوران پس از خود و گاه پیش از خود متمایز ساخته است. جدول‌های بسامدی زیر، فراوانی کاربرد تسکین را در شعر ناصرخسرو نشان می‌دهد. در اینجا از دوازده قصیده‌ای که در وزن «UU - U - U - UU» سروده شده است، چشم پوشیدیم؛ زیرا تسکین در این وزن، به جز در دو هجای کوتاه آغازین که بسیار نادر است، تنها در دو هجای کوتاه پایان مصراع امکان وقوع دارد و این از دید سبک‌شناسی ارزش خاصی ندارد و تقریباً در شعر همه شاعران به گونه یکسان روی می‌دهد. از این رو، موارد وقوع تسکین در این وزن شمرده نشد.

جدول‌های بسامدی کاربرد اختیار تسکین در شعر ناصرخسرو

وزن ۱: - - UU - - UU - - UU															
شماره قصیده	۴۰	۱۱۴	۲۱۳	۷۶	۱۸۰	۱۹۵	۱۳۸	۱۱۹	۲۳۲	۲	۲۴۲	۵۹	۹۵	۱۶۰	۲۱
تعداد بیت‌ها	۴۶	۵۶	۴۷	۵۴	۵۳	۲۶	۴۷	۳۴	۸۹	۵۴	۱۳۲	۸۴	۴۲	۲۳	۴۲
بسامد وقوع	۹	۱۹	۱۵	۲۴	۱۹	۱۱	۱۷	۲	۴۱	۲۰	۹۰	۴۵	۱۶	۶	۸
تعداد بیت‌های دارای دو بار وقوع	۲	۲	۱	۵	۳	۲	۴	-	۵	۱	۱۶	۱۱	۳	۱	۱
سه بار وقوع	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲	۳	-	-	-	-

وزن ۲: UU - - UU - - UU (امکان وقوع در هر مصراع: سه بار)											
۱۷۵	۱۳۳	۱۹۴	۲۰۸	۳۵	۱۵۴	۱۷	۹۰	۵۴	۷۴	۲۲۷	شمارهٔ قصیده
۴۱	۵۰	۴۸	۵۶	۴۸	۴۳	۴۶	۵۸	۵۰	۴۰	۱۴	تعداد بیت‌ها
۳۱	۳۱	۲۴	۲۷	۲۹	۲۵	۱۷	۲۸	۲۴	۳۷	۳	بسامد وقوع
۸	۷	۴	۴	۴	۴	۳	۵	۱	۱۲	۱	دو بار وقوع
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	سه بار وقوع

وزن ۳: UU - - UU - - UU (امکان وقوع در هر مصراع: چهار بار)											
۵۰	۲۲۳	۱۰	۲۰۴	۱۷۰	۱۲۹	۱۰۲	۱۹۰	۳۱	۱۴۸	۸۶	شمارهٔ قصیده
۴۴	۳۴	۴۵	۲۷	۳۵	۴۸	۵۰	۲۳	۵۰	۴۹	۴۶	تعداد بیت‌ها
۱۵	۱۴	۹	۱۴	۸	۱۱	۱۹	۱	۵	۲۹	۱۳	بسامد وقوع
۳	۴	-	۲	-	-	۵	-	-	۵	۱	دو بار وقوع

وزن ۴: U-U - - UU - U-U (امکان وقوع در هر مصراع: یک بار)														
۲۱۹	۱۲۵	۱۴۰	۶۲	۸۲	۹۶	۶	۲۳۸	۲۷	۴۶	۱۶۶	۱۱۲	۲۰۱	۱۸۶	شمارهٔ قصیده
۴۵	۴۰	۴۲	۴۰	۵۷	۳۴	۴۴	۲۶	۴۰		۲۱	۴۶	۵۶	۵۷	تعداد بیت‌ها
۳	۳	۱۰	۴	۹	۱۲	۵	۱	۱	۱۰	۳	۴	۵	۳	بسامد وقوع
-	-	-	-	۱	۳	۱	-	-	-	-	۱	۱	-	دو بار وقوع

وزن ۵: U - - UU - U - U (امکان وقوع در هر مصراع: یک بار)			
۲۲۹	۱۷۷	۲۱۰	شمارهٔ قصیده
۲۰	۵۸	۴۵	تعداد بیت‌ها
۲	۲۱	۴	بسامد وقوع
-	۳	۱	دو بار وقوع

وزن ۶: UU - - UU - U (امکان وقوع در هر مصراع: دو بار)													
۲۶	۱۱۵	۹۹	۱۴۴	۷	۲۱۵	۱۸۵	۱۶۵	۸۱	۲۰۰	۱۲۴	۴۵	۶۳	شمارهٔ قصیده
۵۲	۴۳	۳۸	۴۴	۵۱	۴۳	۴۸	۵۲	۵۲	۵۴	۴۹	۶۸	۴۷	تعداد بیت‌ها
۶	۲۴	۲۸	۲۴	۱۹	۱۳	۹	۱۱	۱۵	۲۱	۲۰	۲۸	۱۶	بسامد وقوع
-	۴	۶	۲	-	۱	۱	-	۲	۱	۱	۴	۲	دو بار وقوع

وزن ۱۱: -- U - U - UU - - (امکان وقوع در یک مصراع: یک بار)													
شماره قصیده	۱۵۰	۴۳	۱۱۳	۲۱۶	۱۰۳	۱۹۸	۷۹	۶۷	۱۶۳	۱۲۲	۱۱	۱۸۳	۲۴
تعداد بیت‌ها	۳۲	۷۰	۳۳	۲۱	۲۷	۴۹	۶۲	۴۱	۵۲	۵۳	۲۵	۷۱	۴۷
بسامد وقوع	۷	۵	۲	۱	۲	۱	۸	۴	۷	۴	۱	۱	۳
دو بار وقوع	-	-	۱	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-

وزن ۱۲: -- U -U - -UU - - (امکان وقوع در مصراع: یک بار)													
شماره قصیده	۱۷۱	۱۳۰	۱۵۲	۱۹۱	۱۰۷	۱۴	۲۲۴	۲۰۵	۸۷	۵۱	۳۲	۷۱	
تعداد بیت‌ها	۴۶	۳۴	۴۴	۵۷	۳۷	۴۷	۴۶	۲۸	۵۱	۴۵	۴۸	۵۲	
بسامد وقوع	۲	۱	-	۳	۱	۱	۴	-	۲	۲	۲	۲	
دو بار وقوع	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	

وزن ۱۳: -- UU - U - U - -UU - - (امکان وقوع در یک مصراع: دو بار)					
شماره قصیده	۵۶	۳۷	۹۲	۲۳۹	۱۳۵
تعداد بیت‌ها	۵۰	۳۵	۴۰	۲۲	۴۱
بسامد وقوع	۸	۴۸	۵	۴	۷
دو بار وقوع	-	۶	۱	۱	-
سه بار وقوع	-	۳	-	-	-

وزن ۱۴: UU -- UU -- UU -- UU (امکان وقوع در هر مصراع: چهار بار)			
شماره قصیده	۶۶	تعداد بیت‌ها	۲۰
بسامد وقوع	۱	بیت‌های دارای دو بار وقوع	-

از این جدول‌ها دریافت می‌شود که ناصر خسرو تنها در سه قصیده از به‌کار بستن قاعده تسکین چشم پوشیده و این اختیار عروضی هرگز برای او ناخوشایند نبوده است. در تأیید این سخن می‌توان افزود که شماری از قصیده‌های وی از همان آغاز، یعنی در بیت مطلع با اختیار تسکین همراه شده‌اند و این نشان می‌دهد که در بوطیقای شعر ناصر خسرو چنین اختیاری هرگز ناپسند نیست و پرهیز از آن بر به‌کار بستن آن ترجیحی ندارد:

وین سالخورده گیتی برنا شد (ناصرخسرو، ۱۳۵۳: ۳۳۹)	آمد بهار و نوبت سرما شد
- - - [-] - U - U - -	- - - UU - U - U - -
بچه گردونی زیرا سوی من دونی (همان: ۳۶۶)	ای تن من تو مگر بچه گردونی
- - - UU - - [-] - - U -	- - - UU - - UU - - U -
خیر و صلاح از جهان جهان چون شد (همان: ۷۸)	چون که نکو ننگری جهان چون شد
- [-] - U - U - - UU -	- [-] - U - U - - UU -

و نیز قصیده‌های ۲۰۴، ۹۹، ۱۸۲، ۹۲، ۱۶۲، ۲۶، ۶۰، ۱۳۱، ۳۵، ۷۵، ۱۵۱، ۱۳۳، ۲۱۵، ۱۹۴، ۲۲، ۷۶، ۸۱، ۲، ۸۶، ۱۸۰، ۱۲۴ و ۱۶۳.

۲-۲. اختیار «جابه‌جایی» (قلب)

اگرچه درباره چستی و چگونگی این دگرگونی وزنی در نزد عروضیان ما تقریباً ابهام و اشکالی وجود ندارد، هنوز کاملاً مشخص نیست که این قاعده در چه وزن‌هایی و در چه جایگاه‌هایی از زنجیره عروضی جواز کاربرد دارد و در چه وزن‌ها و جایگاه‌هایی شاعر باید از آن بپرهیزد. در تعریف و توضیح «جابه‌جایی» (U- = U-؛ -U = U-) چنین آورده‌اند: «انواع آن به قرار ذیل است: قلب پایه [...] U- به U- [...] و [قلب پایه] U- به U-» (ناتل خانلری، ۱۳۶۱: ۲۷۱). «گاهی در اثنای مصراع یک هجای بلند و یک هجای کوتاه جابه‌جا می‌شوند؛ یعنی U- به جای U- می‌آید و بالعکس» (نجفی ۱۳۵۲: ۱۵۹). «قلب یعنی آوردن U- به جای U- یا برعکس» (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۷: ۱۹).

نجفی به خوبی نشان داده است که این اختیار را نمی‌توان در هر جایگاهی از وزن به-کار بست و اگر چنین می‌بود، باید می‌توانستیم دو وزن زیر را با هم برابر بدانیم و در یک شعر به کار ببریم:

-UU- [-U] U--UU

-UU- [U-] U--UU

اما گوش هیچ پارسی‌زبانی به کار بستن این اختیار را در این وزن نمی‌تواند بپذیرد. وی نتیجه گرفته است که اختیار قلب تنها در مواردی رواست که یک «مفتعلن» به جای «مفاعلن» و یک «فاعلات» به جای «مستفعل» می‌نشیند (نجفی، ۱۳۵۲: ۱۵۹-۱۶۰). در این باره شمیسا دقیق‌تر از همه سخن گفته است؛ وی بر آن است که اگر مصراع‌ها را

به شیوهٔ عروض جدید تقطیع کنیم، در خواهیم یافت که اختیار قلب چیزی نیست، جز دگرگونی مفتعلن به مفاعلن و بالعکس. وی برخلاف شیوهٔ نجفی وزن رباعی را به جای «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع» با «لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» نشان می‌دهد و «قلب» را که نجفی تبدیل «مستفعلُ» به «فاعلاتُ» دانسته است، تبدیل «مفتعلن» به «مفاعلن» می‌داند (۱۳۷۰: ۴۷)

قلب (جابه‌جایی) در شعر ناصر خسرو

در اینجا مواردی که ناصر خسرو در آنها این اختیار را به‌کار بسته است، بررسی می‌کنیم و با افزودن نمونه‌هایی از شعر سخنوران سدهٔ پنجم، سندهایی برای تأیید یا ابطال سخن عروضیان به‌دست می‌آوریم تا هم تعریف دقیق‌تری از این اختیار عروضی فراهم آید و هم چگونگی کاربرد آن در شعر ناصر خسرو و دیگر سراینندگان سبک خراسانی مشخص شود. بیت‌های ناصر خسرو و تقطیع آنها:

خاک را شوی همین دوست که می‌زاید شور و تلخ و خوب و زشت و ترش و شیرین
(۱۳۵۳: ۲۸۲)

- - - UU - - U [-U] - U - - - - UU - - U [-U] - U -
گل تبار و آل دارد همه مه رویان هر گهی کاید با آل و تبار آید
(همان: ۱۶۱)

- - - UU - - U [-U] - U - - - - UU - - U [-U] - U -
زنهار مشو فتنه برو زی‌را حوری است ز دور و خوب گفتاری
(همان: ۳۵۰)

- - - U [-U] - UU - - - - - U [-U] - UU - -

در دو بیت نخست، اختیار قلب در میان رکن یکم و دوم رخ داده است و این ثابت می‌کند که برخلاف نظر ابوالحسن نجفی (۱۳۵۲: ۱۵۹) این اختیار تنها در رکن دوم روی نمی‌دهد. اشتباه نجفی برخاسته از آن است که سخنش بیشتر بر پایهٔ کتاب‌های عروض است تا متن‌های پارسی و این باعث شده است که از ظرایف و قواعدی که گاه در شعر کهن می‌توان یافت غافل بماند. در متن‌های سدهٔ پنج از جمله دیوان فرخی و منوچهری به نمونه‌های نه‌چندان نادری برمی‌خوریم که در آنها همچون دو بیت مورد بحث، اختیار قلب در همین وزن به‌کار بسته شده است.

در میان رکن دوم و سوم:

از پرستیدن آن شاه که دست و دل او	جود را پشت و پناه و امن را یسر و یسار
هم بزرگست به علم و هم بزرگست به فضل	هم ستوده به تبار است و ستوده به گهر
با بر و بازوی شاهانسه و با فر ملوک	هم نکو ران و رکاب و هم نکو دست و عنان
کار شه به شود و کار عدو به نشود	نشود خرما خار و خار خرما نشود
نوزتان سینه و پستان به دهن برنهاد	نوزتان روی نشست و نوزتان شیر نداد

در میان رکن یکم و دوم:

کاروان مهرگان از خزران آمد	یا ز اقصای بلاد چینستان آمد
----------------------------	-----------------------------

با این بیت‌ها ثابت می‌شود که اختیار عروضی قلب در این زنجیره عروضی نیز کاربرد داشته است و باید در کتاب‌های عروض در بخش اختیارات شاعری بدان توجه داشت. گفتنی است که محمدجعفر محبوب بیت دوم و سومی را که از فرخی نقل شد، به همراه ۱۸ بیت از دیگر شاعران دوره غزنوی با عنوان «خروج از وزن عروضی» یاد کرده است (۱۳۵۰: ۱۹۴-۱۹۵). این کار وی اگرچه تهی از جزئیات است و بدون هرگونه تقطیع و دسته‌بندی عروضی است، از این لحاظ که توجه یک سبک‌شناس را به دگرگونی‌های وزنی شعر کهن نشان می‌دهد، ارزشمند است؛ به‌ویژه که با اظهارنظری محتاطانه خواننده را به این نکته توجه می‌دهد که «این امر در آن عصر غلط و حتی شاید ترک اولی نیز شمرده نمی‌شد» (همان: ۱۹۳).

در مورد سومین بیتی که از ناصر خسرو نقل شد، باید توجه داشت که وزن آن در همان زنجیره ای است که رباعی در آن سروده می‌شود، با این تفاوت که وزن رباعی یک هجا بلندتر از آن است؛ بنابراین، بیراه نیست اگر اختیاری را که در رباعی مجاز است در این وزن نیز مجاز بدانیم؛ اگرچه کاربردش در این وزن بسیار نادر است و حتی مصححان دیوان ناصر خسرو وزن مصراع نخست بیت مورد بحث را نادرست دانسته‌اند (ر.ک: ناصر خسرو، ۱۳۵۳: ۷۴۴). وزن مصراع نخست به‌طور مستقل در کهن‌ترین نمونه‌های شعر پارسی وجود دارد و وحیدیان کامیار بر آن است که با اعمال قلب به وزن «- UU - U - U - -» تبدیل می‌شود. وی پس از تقطیع دو مصراع از شعر محمد بن وصیف چنین گفته است: «البته این اختیار شاعری فقط در رباعی، در رکن دوم به‌کار می‌رود، ولی از قرار معلوم در قدیم در اوزان هم‌خانوادهٔ رباعی که از تکرار مستفعل تشکیل می‌شده نیز دقیقاً به‌کار می‌رفته است» (۱۳۶۷: ۵۲).

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، به نظر شمیسا قلب چیزی نیست، مگر تبدیل مفتعلن به مفاعلن و برعکس. از نمونه‌ها و شاهد مثال‌هایی که در این جستار بررسی شد، درمی‌یابیم که سخن وی کاملاً درست است. وی با اینکه به وزن «UU - UU - -» اشاره‌ای نکرده و از امکان وقوع قلب در آن سخنی نگفته است، فرمولی به‌دست داده که چستی و چگونگی این اختیار را به‌روشنی و سادگی نشان می‌دهد. اگر شیوهٔ کمیّت‌مدار وی را در پیش‌بگیریم، در خواهیم یافت که در قاعدهٔ قلب اگرچه هر مفتعلن و مفاعلنی نمی‌توانند به جای هم به‌کار روند، دست‌کم مسلّم است که این قاعده چیزی جز جایگزینی مفتعلن و مفاعلن نیست؛ برای مثال، در بیت

به حق کرسی و حق آیه‌الکرسی	که نخسبیده شبی در بر من نفسی
فعلاتن فعلاّت [ف]اعلاتن فع	فعلاتن فعلا [تن ف]اعلاتن فع
UU - UU - U [-U] - -	UU - UU - U [-U] - -
اختیار را این‌گونه می‌توان نشان داد:	
تعلن مفتعلن مفاعلن فع لن	تعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن فع لن

در مصراع نخست تبدیل مفتعلن سوم به مفاعلن آشکار است.

با این ملاک می‌توان توضیح داد که چرا دو وزن زیرین را نمی‌توان در یک بیت به‌کاربرد؛ با آنکه برطبق قاعدهٔ قلب، به‌ظاهر مانعی برای این کار وجود ندارد.

۱. UU - UU - [-U] U - -
۲. UU - UU - [U-] U - -

تعلن مفتعلن مفتعلن
تعلن فاعلات مفتعلن
تبدیل مفتعلن به فاعلات بر خلاف قاعده است.

۳. نتیجه

در این جستار تعریف‌های دقیقی از چند اختیار وزنی شعر پارسی به‌دست‌داده شد و افزون بر بررسی و سنجش سخنان عروضیان در زمینه اختیارات وزنی، مشخص شد که ناصر خسرو از چه اختیارات وزنی و با چه بسامدی استفاده کرده است. بسامد بالای اختیار وزنی تسکین در شعر ناصر خسرو به سبک وی برجستگی ویژه‌ای بخشیده است. زبان شعری او را در کنار منوچهری و مسعود سعد، از پرتسکین‌ترین زبان‌های شعری طی تاریخ شعر پارسی می‌توان به‌شمار آورد. همچنین اینکه ناصر خسرو قاعده تسکین را در رکن نخست وزن نیز به‌کار برده است، نشان می‌دهد که این کار بر خلاف آنچه امروز تصور می‌شود، غلط وزنی پنداشته نمی‌شده است. نیز در این پژوهش نشان داده شد که ناصر خسرو همچون منوچهری قاعده قلب را با آزادی بیشتری طی یک مصراع به‌کار می‌برده است.

پی‌نوشت

۱. این نام‌گذاری تنها مربوط به وزن‌هایی می‌شود که از تکرار «فعلن» ساخته نشده باشند و نیز با «مفتعلن» پایان نپذیرند، ولی زنجیره عروضی آنها به «UU-» بینجامد.
۲. در اینجا تبدیل فعلاتن (UU-) به فاعلاتن (U--) رخ داده است که از اختیارات بسیار پرکاربرد شعر پارسی به‌شمار می‌رود و از موضوع بحث ما بیرون است.
۳. اگر اختیار تسکین در این وزن بر هجای ۱۳ و ۱۴ رخ داده باشد، از آنجا که تمایزی سبک‌شناختی را باعث نمی‌شود و در همه شاعران کم‌وبیش دیده می‌شود، جزو بسامد وقوع به‌شمار نیامده است.
۴. در اینجا دو هجای کوتاه به یک هجای بلند دگرگون شده است که ما برای مشخص کردن قاعده قلب ناچار شدیم که از نشان دادن آن بپرهیزیم.
۵. در اینجا اختیار قلب در میان رکن دوم و سوم نیز رخ داده است.

منابع

- منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد (۱۳۷۰)، دیوان، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار.
فرخی سیستانی، ابوالحسن علی (۱۳۶۳)، دیوان، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار.
ناصر خسرو (۱۳۵۳) دیوان، تصحیح مجتبی مینوی - مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران.
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۱)، وزن شعر فارسی، تهران، توس.

- محبوب، محمدجعفر (۱۳۵۰)، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران، دانشسرای عالی.
- طوسی، خواجه‌نصیر (۱۳۶۳)، معیارالاشعار، چاپ عکسی به اهتمام محمد فشارکی و جمشید مظاهری، اصفهان، سهروردی.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۷)، وزن و قافیه شعر فارسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۰)، آشنایی با عروض و قافیه، تهران، فردوس.
- حسینی، حمید (۱۳۷۸)، «سکته در شعر فارسی»، شعر، ش ۲۵، ۱۰۲-۱۰۹.
- نجفی، ابولحسن (۱۳۵۲)، «اختیارات شاعری»، جنگ اصفهان، دفتر دهم.
- (۱۳۵۵)، «یک قاعده منسوخ عروضی»، جستارهای ادبی، ش ۴۷، ۵۸۷-۵۹۰.
- سپینتا، ساسان و محمد فشارکی (۱۳۵۳)، «در پیرامون اختیارات شاعری»، وحید، ش ۹، دوره ۱۲، ۷۱۴-۷۲۲.
- فرزاد، مسعود (۱۳۷۲)، «اختلافات آوایی و عروضی در شعر فارسی»، کیان، ترجمه و تحشیه حمید حسینی، ش ۱۱، ۵۲-۵۶.